فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره شانزدهم (پاییز ۱۴۰۲)

بررسی مسائل مدیریتی کلاس‌های درس مدارس ابتدایی

(تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۸/۳۰)

زهرا عباس‌زاده[1]

رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید صدوقی، شهر کرمانشاه، ایران

چکیده

امروزه نظام های آموزشی برای تحقیق اهداف از پیش تعیین شده خود از عوامل گوناگونی بهره میگیرند. یکی از اساسی ترین و اصلی ترین عواملی که قسمت اعظم تحقیق هدف های مزبور در گرو آن است معلمان و شیوه عمل آنها در مدارس و کلاس های درس است به طوری که همه‌ی فعالیت های آموزشی و سرمایه‌گذاری هایی که در امر آموزش و پرورش صورت میگیرد به دلیل حضور معلمان در کلاس درس و تحقق تدریس مطلوب است زیرا با این امر است که همه ی هدف های آموزش و پرورش تحقق می یابد. اساسی ترین عنصر در تدریس مطلوب را میتوان مدیریت کلاس در نظر گرفت. مدیریت کلاس یکی از چالش های اصلی و اساسی معلمان امروز محسوب می شود. در این مقاله به اجمال مدیریت کلاس درس مدارس ابتدایی و رویکرد های مدیریتی بررسی می شود.

واژگان کلیدی: مسائل مدیریتی، کلاس درس، مدرسه ابتدایی، نظام آموزشی، آموزگار

[1] Zabaszade016@gmail. com

مقدمه

کلاس درس یک سیستم اجتماعی است و همانند سایر سیستمهای اجتماعی پایگاه ها، باور ها، هنجارها، اهداف نقشها و انتظارات خود را داراست. این عوامل آن چنان در هم تنیده و وابسته به هم اند که به آسانی قابل تشخیص و تفکیک از یکدیگر نیستند، اما در مورد مدیریت چنین سیستمی دیدگاه های مختلف وجود دارد. از دیدگاه ویلیامز و همکارانش، مدیریت کلاس درس مجموعه ای از فنون و مهارت هایی است که به معلمان امکان میدهد دانش آموزان را به طور اثر بخش کنترل نمایند تا محیطی مثبت برای یادگیری فراهم شود درحالی که گروهی دیگر که خود را طرفدار رویکرد پست نیوتنی ذکر میکنند مدیریت کلاس درس را عبارت از حفظ و ارتقای مستمر استاندار های تربیتی در یک جو انسانی به منظور رضایت هرچه بیشتر معلمان، دانش آموزان و والدین میدانند مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله ی دیگران، در این تعریف رفتار آمرانه ی معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار میگیرد با توجه به این تعریف معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد، ولی کارها توسط خود دانش آموز انجام شود و آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی و در امر یادگیری بیشتر باشد رشد مهارتهای گوناگون در آنان بیشتر میشود و متکی به خود میگردند و اعتماد بنفس در آنان رشد می کند. باید در نظر داشت که این تعریف در کلاسهای که فراگیران دوران کودکی را طی می کنند دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع، ابتدایی پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد بایستی عمدتا، خود برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال کند زیرا با توجه به ویژگیهای خاص کودکان اولا متکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می باشند، این وظیفه به معلم بر می گردد، در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزی های درسی و کلاسی، از اهمیت زیادی برخوردار میگردد با توجه به موارد فوق در آموزش دوره های بالاتر لازم است، فراگیران، خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروهها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است. در این تعریف اهمیت مشارکت معلم به عنوان

رهبر و راهنمای دانش آموزان بیشتر ملحوظ است، بدین معنی که پس از اینکه اهداف مشخص شد معلم و دانش آموزان بایستی با برنامه ریزی صحیح راه رسیدن به آن را دنبال کنند. مدیریت کلاس درس را و رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه ی درسی سازماندهی مراحل کار و منابع سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کارایی نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیش بینی مسایل بالقوه می داند. رئوفی مدیریت کلاس درس را این گونه تعریف می کند مدیریت کلاس عبارت است از هنر به کاربردن دانش تخصصی و بهره گیری از مهارتهای کلاسداری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مطلوب مورد نیاز دانش آموزان و جامعه گر چه کارایی معلم بر اساس نگرش نیات و شخصیت از یک سو و همه جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش آموزان از سوی دیگر سنگ بنای مدیریت کلاس درس است اما معلم به مهارت ها و فنونی سازمان دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه ای را برای تحقق یادگیری خلق کند پس بسیار شایسته است که مدیریت کلاس و اهم مطالب مربوط به آن بررسی شده و موانع و مشکلات مدیریت مؤثر بررسی شده و راهبردهایی جهت مقابله و رفع موانع مدیریت کلاس تحلیل و ارائه گردد تا بتوانیم با به کارگیری راهبردها بر مشکلات فائق آمده و محیط کلاس را به محیطی جذاب شاد و مثبت جهت حداکثر تعامل و یادگیری تبدیل کنیم مهمترین و اولین هدف هر کلاس درسی ایجاد یادگیری در فراگیران است و در این میان وظیفه معلمان فراهم کردن شرایط مطلوب جهت دستیابی به این هدف است. یکی از این شرایط، وجود یک فضای کلاسی نسبتاً آرام، مشتاق و خالی از مشکلات انضباطی است.

دیویس معتقد است معلم در نقش مدیر کلاس به دلیل محدودیت زمانی در انجام وظایف خود، باید به اموری بپردازد که با نقش سازمانی آن ها مرتبط است. بنابراین میتوان با توجه به نقش سازمانی معلمان در نقش مدیریت کلاس، چهار کارکرد اصلی برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت و نظارت را در نظر گرفت. با وجود این راک این چهار کارکرد اصلی را کارکرد هماهنگی، ارتباطی، و پژوهشی و همچنین جزئی از کارکرد های سازمانی مدیریت کلاس در نظر میگیرد. دیویس با خلاصه و جمع بندی سیستم یادگیری در این چهار وظیفه اصلی، به

طور تلویحی معتقد است مواردی را که راک می افزاید در این چهار کارکرد مستترند. ضمنا دیویس معتقد است گرچه این چهار کارکرد مدیریتی فعالیت های متمایزی آمد، ولی باید به آن ها به منزله ی چرخه ای از فعالیت های مرتبط با یکدیگر نگریست که در مجموع حیطه تخصصی معلم را معین می سازند. این کارکرد ها از وظایف مدیریت کلاس جدا نیست و امکان تأثیرگذاری بر یادگیری دانش آموزان را فراهم می آورد.

بخش اول: نگاهی به شیوه های مدیریت کلاس

۱. عاشق دانش آموزان خود باشید. دانش آموزان را دوست داشته باشید. بسیار پیش می آید که آنها در بعضی از دروس عمیقا احساس ضعف و ناکافی بودن میکنند. در این مواقع از مهارتهای معلم است که به موقع ارزششان را به آنها یادآوری کند و با دوست داشتن بدون قید و شرط دانش آموزان ارزش واقعی آنها را گوشزد کند.

۲. خود را به دانش آموزان معرفی کنید به دانش آموزان خود بگویید که چه کسی هستید و چرا آنجا هستید. کلاسی که همه دانش آموزان عمیقاً به معلم اعتماد داشته باشند، میتواند یک محیط عالی برای یادگیری باشد. برای ایجاد این اعتماد، به دانش‌آموزان خود بگویید که چه کسی هستید و چرا معلمی را برگزیدید. به آنها در مورد پیشینه خود بگویید، چه کارهایی را در سنین مختلف خود انجام دادید و چرا میخواهید معلم آنها باشید. هرچه دانش آموزان در مورد شما و اهداف شما بیشتر بدانند، بیشتر برای گرفتن راهنمایی و مشاوره به شما اعتماد خواهند کرد و خودشان در مدیریت کلاس به شما کمک می کنند.

۳. روی دانش آموزان شلوغ تمرکز کنید. از دیگر مهارتهای معلمی این است که اگر دانش‌آموزی توجه زیادی ندارد یا هنگام تدریس مشغول انجام کاری است، با استفاده از سیگنالهای غیر کلامی توجه آنها را جلب کنید. اگر در حال صحبت کردن هستید، مکث کنید و به سمت آنها بروید. اگر در حال قدم زدن در کلاس هستید، به تدریس ادامه دهید و همزمان به سمت دانش آموزان مشکل ساز بروید و در حین تدریس، کنار صندلیهای آنها متوقف شوید.

۴. با دانش آموزان ارتباط چشمی برقرار کنید. وقتی با تمام دانش آموزان خود ارتباط چشمی برقرار میکنید، کلاس بسیار بهتر پیش می رود. طوری پشت میز خود بنشینید که بتوانید کل دانش آموزان کلاس را ببینید بدین منظور باید در نحوه چیدمان میز و نیمکت های کلاس ابتکار عمل داشته باشید.

۵. روش تدریس خود تنوع ایجاد کنید. در طول روز از تکنیکهای متنوع استفاده کنید. گاهی با بازی آموزش دهید، دانش آموزان را به گروههای مختلف تفکیک کنید و در راستای موضوع درس بازیهای گروهی انجام دهید. سعی کنید برای حفظ انرژی در انجام فعالیتهای گروهی تنوع ایجاد کنید و از خستگی و کلافگی دانش آموزان بکاهید.

بخش دوم: سبک های رهبری معلم

رهبری تنها زمانی وجود دارد که روابط رهبر پیرو به گونه ای باشد که پیروی کنندگان یک شخص را به عنوان رهبر بپذیرند. در کلاس درس نیز بسیار مهم است که فراگیران معلم را به عنوان یک رهبر بپذیرند. هنگامی که چنین امری تحقق یافت مشکلات انضباطی به حداقل می رسند. در غیر این صورت در کلاس بین دانش آموزان و معلم جنگ دائمی قدرت ادامه خواهد داشت. رهبری معلم و استفاده او از قدرت قلب مدیریت کلاسی است. سبک رهبری معلم چیزی نیست جز روش هایی که او برای اعمال قدرت آنها را انتخاب کرده و به کار می بندد. سبک رهبری معلم بر رفتار دانش آموزان و میزان مشارکت آنان تأثیر می گذارد. بسیاری از رفتارهای نامطلوب دانش آموزان در حقیقت عکس العملی نسبت به نحوه بکارگیری قدرت و اقتدار از سوی معلم هستند. یکی از نیازهای دانش آموزان که بایستی در کلاس برآورده شود نیاز به قدرت است. اگر آنها تصور کنند که توانایی هایی که این نیازشان را برآورده می کند از سوی معلم تهدید می شود، ممکن است اقتدار معلم را به مبارزه بطلبند. معلمان نمی توانند از دانش آموزان به زور بخواهند که به آنها احترام بگذارند و به قدرت و اقتدار آنها تن در دهند. معلمان کارآمد آنهایی هستند که این احترام را خلق کنند با الهام از نظریه فرنچ و راون در مورد منابع اقتدار اجتماعی از پنج نوع قدرت

نام می برد که معلم می تواند با استفاده مناسب از این قدرت ها به ایجاد محیط مطلوب در کلاس برای آموزش بپردازد. این پنج نوع قدرت معلم عبارتند از قدرت تنبیه، قدرت پاداش، قدرت قانونی، قدرت مرجع، قدرت تخصص.

بخش سوم: روال ها و مقررات کلاسی

کلاس های درس مکان های شلوغی هستند و در آنها فعالیت های متنوعی انجام می گیرد. این یک سری قوانین سازمان یافته مرتبط با یک زمان و مکان مشخص فعالیت های متنوع نیازمند روال های منظمی هستند، روال ها هستند. آنها فعالیت های روزمره دانش آموزان را هدایت می کنند و یکی از عوامل کاهش سردرگمی های دانش آموزان که موجب مشکلات انضباطی می شود، مشخص کردن و تمرین روال های انجام امور است. مثلاً لازم است معلم برای فعالیت هایی چون جابجا شدن در کلاس، حضور و غیاب، صحبت کردن و استفاده از وسایل فردی و عمومی روال هایی را تعیین و تمرین کند همچنین سانتراگ در رابطه با اهمیت قوانین کلاسی خاطر نشان می کند که برای این که کارها به طور منظم و روان در کلاس پیش رود وجود روال ها و قوانین روشنی لازم است. بدون وجود آنها وقوع سوء تفاهماتی که موجب بی نظمی و شلوغی در کلاس می شوند، اجتناب ناپذیر است. قوانین منطقی یکی از اجزای مهم هر موقعیت اجتماعی است. هر وقت دو نفر یا بیشتر با هم زندگی کنند لازم است که درباره رفتارهای مناسب و نامناسب به توافق برسند. این قوانین شاید به صورت انتظارات نانوشته توسط طرفین پذیرفته شود و یا این که ممکن است به صورت نوشتاری و کلامی باشد. با وجود این انتظارات نانوشته منجر به تعارض و تضاد می شوند. این موضوع به ویژه در کلاس های درس حائز اهمیت است چون غالب افراد دارای سطح درک متفاوتی نسبت به هم هستند. پس لازم است معلمان در جلسات آغازین سال تحصیلی زمانی را برای تدوین و تشریح قوانین و انتظارات کلاسی صرف کنند. دو روش کلی برای ایجاد مقررات کلاس درس پیشنهاد شده است.

الف) سبک اقتدارگرایانه: که ریشه در اعمال قدرت قانونی، پاداش و تنبیه دارد. در این روش معلم خود قوانین را تعیین می کند و آنها را به اطلاع یادگیرندگان می رساند و پیامدهای پیروی و عدم پیروی از قوانین را نیز به آنها می گوید. در اصل، روش اقتدارگرایانه بیانگر این است که من رئیس کلاس هستم. من انتظار دارم از قوانین کلاس پیروی کنید و در غیر این صورت تنبیه می شوید و اگر انتظارات من را برآورده کنید پاداش خواهید گرفت.

ب) سبک آزادگرمدارانه: در این روش دانش آموزان به همراه معلم دست به انتخاب و تدوین قوانین و پیامدها می زنند. این سبک ریشه در اعمال قدرت مرجع، تخصص و قانونی از سوی معلم دارد و دانش آموزان نسبت به این مقررات احساس تعلق می کنند و به همین دلیل خود را ملزم به پیروی از آنها می دانند. روش اخیر نسبت به روش اقتدارگرایانه دارای این مزیت است که موجب رشد خود کنترلی در دانش آموزان می شود. برای اثربخش بودن قوانین و روالها بایستی به چندین نکته توجه کرد:

اول این که این قوانین حتماً بایستی به طور دقیق و کامل به اطلاع تمام دانش آموزان رسانده شود و عدم اطلاع از قوانین نبایستی بهانه ای برای قانون شکنی عده ای از دانش آموزان باشد. برای این کار می توان از دانش آموزان خواست که قوانین و روال ها را در قسمتی از دفترچه یا کتاب شان یادداشت کنند. همچنین می توان این قوانین را به اطلاع اولیاء و مسؤلین مدرسه رساند تا در مواقع لازم از حمایت آنها برخوردار بود.

دوم، لازم است که کلیه معلمان و کارکنان مدرسه به طور هماهنگ قوانین را اجرا کنند. وقتی که یک معلم از روش های غلط برخورد با مسائل انضباطی استفاده می کند او به طور غیرمستقیم بر مشکلات انضباطی دانش آموزان در کلاس های معلمان دیگر می افزاید. برای مثال معلمی که عمداً از تقلب دانش آموزان در امتحان چشم پوشی می کند و حتی خود فرصت این کار را فراهم می آورد موجب

تقویت این تفکر در دانش آموزان می شود که دیگر معلمان نیز باید چنین برخوردی با تقلب داشته باشند.

بایستی به طور مداوم بر اجرای قوانین نظارت داشته باشد و اگر رفتاری در یک روز نامطلوب باشد در روزهای آینده نیز در این گونه باشد. اعمال قوانین، بیشتر از آنکه به حال و هوای معلم در یک روز معین بستگی داشته باشد بایستی به اصل ثبات اجرای قوانین وابسته باشد. در حالت اول دانش آموزان هر روز با رفتارهای زیرکانه شان حوصله معلم را آزمایش می کنند تا بدانند که تا چه اندازه می توانند از مقررات تخطی کنند. یکی دیگر از ابعاد ثبات رأی معلم در اجرای قوانین کلاسی اجرای مساوی پیامدهای مقررات برای تک تک دانش آموزان است، به این معنی که قانون همانگونه که برای همگان اعمال می شود برای یک فرد خاص نیز اجرا شود. دانش آموزانی که در کلاس نسبت به سایرین شلوغ تر شناخته شده اند همیشه شکایت می کنند که "ما را شلوغ شناخته اند هر اتفاقی بیافتد گردن ما می اندازند و هیچ گذشتی هم در کار نیست". از طرف دیگر ظاهراً دانش آموزانی که نمرات بالایی می گیرند یا مؤدب هستند در صورت زیر پا گذاشتن قوانین زودتر بخشوده می شوند. اجرای انتخابی قوانین نه تنها به رابطه بین دانش آموزان و معلم آسیب می زند بلکه موجب ایجاد دشمنی بین دانش آموزان می شود نابرابری پیامدهای قوانین برای دانش آموزان موجب افت تحصیلی و ضایع شدن حقوق آنها می گردد. نکته دیگر مورد تاکید این است که قوانین و روال ها بایستی منطقی و قابل قبول برای دانش آموزان باشند. تهیه و اجرای قوانینی که مورد قبول دانش آموزان نیست مشکلی را حل نمی کند. در واقع بایستی یک رابطه علّی آشکاری بین عمل کردن یا نکردن به قوانین و پیامدهای ناشی از آنها باشد. اگر این گونه نباشد دانش آموزان به لزوم قوانین شک کرده و آنها را رعایت نخواهند کرد. به عنوان نمونه، برای این قانون که در زمان معین در کلاس فقط یک نفر باید

صحبت کند بایستی بـه دانـش آمـوزان گفتـه شـود کـه اگـر همـه بـاهم صـحبت کننـد، هیچ کس منظور دیگری را نخواهد فهمید.

نتیجه گیری

غالب تفاوت های موجود در مورد شیوه های اعمال اقتدار و رهبری در بین معلمان ریشه در طرز نگرش آنها نسبت به دانش آموزان دارد. معلمانی که به دانش آموزان به عنوان افـرادی توانا، قابل اعتماد و لایق می نگرند، با علاقه و اشتیاق تدریس می کنند و به دانـش آمـوزان مسؤلیت بیشتری می دهند. علاوه بر این، طرز نگرش معلم نسبت بـه خـود نیـز بـر سـبک رهبری وی تأثیر می گذارد. معلمانی که در کلاس دارای اعتمـاد بـه نفـس بـالایی هسـتند نسبت به آنهایی که احساس بی کفایتی می کنند با علاقه و خوش بینی بیشتری به کار می پردازند. این معلمان از تدریس در کلاس هایی که پر از دانش آموزان قوی و سرآمد هستند، ترسی ندارند و از کار کردن با دانش آموزان بی انگیزه مأیوس نمی شوند. یک معلم با اعتماد به نفس قوی به چنین کلاس هایی به عنوان یک فرصت و زمینه ای برای تلاش مـی نگـرد تا به عنوان یک تهدید. در مقابل معلمی که از اعتماد به نفس اندکی برخوردار است با ترس و اضطراب به چنین موقعیت هایی نزدیک می شود و بیش از حد به اعمال قدرت و کنتـرل دست می زند. او به اعضایی گروه تکالیف بی اهمیت و پیش پا افتاده ای می دهد تـا صـرفاً مشغول باشند. پژوهش امر و همکاران به نقل از سانتراگ نشان می دهد که معلمـان موفـق در مدیریت کلاسی نگرش مثبتی به دانش آموزان خود دارند و همین نگرش موجـب ایجـاد حس ایمنی در دانش آموزان می شود. این معلمان به نیازها و ناراحتی های دانـش آمـوزان خود حساس هستند و توان برقراری رابطه ای مثبت و قوی با دانش آموزان را دارند. بعضـی از معلمان نیز عقیده دارند که دانش آموزان در یادگیری ناتوان و ضعیف هستند و این علـت ناموفق بودن شان در یادگیری مطالب است. طبق این نگرش همیشه انتظار شکست از آنـان دارند. معلمانی که نسبت به شاگردان شان چنین نگرشی دارند فقط ادای تدریس را در می آورند تا بتوانند لحظه ها را در کلاس به پایان برسانند. دانش آموزان نسبت به پیروی کردن از چنین معلمانی بی میل هستند و یا این که به زور تن به اطاعت از آنهـا مـی دهنـد. اگـر

معلمان در همان نخستین روزهای تدریس نتوانند احترام و اعتماد خود را نسبت بـه دانـش آموزان نشان دهند احتمالاً دیگر نخواهند توانست احترام و اعتماد آنها نسبت به خـود را تـا پایان سال جلب کنند. بنابراین یکی از گام های مهم به وجود آوردن یک سبک رهبری مؤثر در کلاس، خود تحلیلی باورهایی است که معلم درباره توانـایی هـای خـود، توانـایی دانـش آموزان برای یادگیری و ماهیت و ویژگی های دانش آموزان انجام میدهد.

منابع و مآخذ

۱. شعبانی، حسن؛ مهارت های آموزشی و پرورشی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی؛ پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ تابستان ۱۳۹۰.

۲. ملا آغبلاغی، محمد هادی؛ بازینی، افشین؛ حسین پور، محمد؛ بافکار، زهرا؛ مدیریت کلاس درس؛ سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران؛ تهران؛ ۱۴۰۲.

۳. محمدزاده، رضا؛ مدیریت کلاس درس؛ اصول روانشناختی و کاربردها؛ ۱۳۹۶.

۴. سرمدی، محمدرضا؛ صیف، محمد حسن؛ مدیریت کلاس؛ انتشارات پیام نور؛ ۱۳۹۷.